



مبحث اول: جهانی اندیشیدن

آیه محوری:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵)

این مبحث با ترسیم افق کلان زندگی امام زمانی آغاز می شود. آیه، از یک اراده قطعی الهی سخن می گوید: خروج مستضعفان از حاشیه و رسیدن به امامت و وراثت زمین. عنوان «جهانی اندیشیدن» دقیقاً ناظر به همین معناست؛ اینکه زندگی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، زندگی در افق نجات جهانی است، نه زیست فردی و حداقلی. در این بخش روشن می شود چرا محوری شدن «خود کوچک انسان» مهم ترین مانع زندگی امام زمانی است و چرا زحمتهای قبل از ظهور، برای ظرفیت یافتن جامعه جهت امام شدن و وراثت زمین شدن است.

زندگی با امام زمان علیه السلام؛ جذاب ترین مدل زندگی

یکی از جذاب ترین مدل های زندگی، که می توانیم این مدل زندگی را به همه جهان معرفی کنیم و مردم جهان تشنه چشیدن مزه چنین زندگی هستند، زندگی با امام زمان علیه السلام است. و ما چقدر در این زمینه کم کاری کردیم؛ خدا از سر تقصیرات ما بگذرد. آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم. در حالی که بهترین مدل زندگی کردن را داریم، دنبال زندگی دیگرانی می گردیم که خودشان هم از این مدل های زندگی خسته و درمانده شده اند. ای کاش یک روز فیلم می ساختیم از خستگی مردم اروپا و آمریکا از این مدل زندگی های که می کنند. فقط کافی است از اسارت رسانه در بیایم. زندگی که هالیوود نشان می دهد، آن زندگی واقعی نیست که برخی از افراد جامعه ما شاید آرزوی آن را می کنند.

ای کاش هنری داشتیم در ترند کردن و جهانی کردن چنین حرف هایی که نشان می دهد مدل زندگی الان چه بلایی سر مردم جهان آورده است؟ همه مردم جهان بیایند و اعتراض کنند؛ البته اگر شبکه های اجتماعی آنها اجازه چنین کاری را بدهد.

پرسش ما این است که آنها مدعی این هستند که ما منجی جهان هستیم، چرا اینقدر مردم خودشان را بدبخت کرده اند و آیا ما مدلی برای زندگی کردن برای ارائه به این خانم و این آقا؛ بلکه جهان بشریت ناراضی از وضعیت موجود خودش، داریم؟

چرا درک زشتی زندگی غیر امام زمانی؛ راه درک شیرینی و جذابیت زندگی با امام زمان علیه السلام است؟

ما تا نفهمیم چرا زندگی با غیر امام زمان علیه السلام، زندگی شیرینی نیست، نظیر زندگی ای که امروز مردم جهان با آن خو کرده اند، اصلاً دنبال زندگی دیگری نمی گردیم. یک زندگی حداقلی، یک زندگی نکبت بار، غرق ناراحتی و افسردگی.

یک سؤال: امروز خروجی زندگی غیر امام زمانی در جهان چیست؟ چرا جهان علیه این زندگی قیام نمی کند؟

در پاسخ باید گفت اولاً ما مدل دیگری برای زندگی کردن معرفی نکرده ایم، و دوماً این مدل زندگی کردن از سر ناچاری است؛ نظامات سیاسی و اقتصادی بردگی نوین در غرب، مردم را آنقدر مشغول خودش کرده؛ که اصلاً فرصت فکر کردن و حتی امید تغییر وضعیت موجود را از آن ها گرفته است.

انقلاب مردم فرانسه در چند سال گذشته یک نمونه از این قیام های مردمی علیه زندگی حداقلی در فرانسه است.

بعد از عبور از زندگی حداقلی غیر امام زمانی، نوبت به این پرسش ها می رسد که چرا این مدل زندگی، یعنی زندگی با امام زمان علیه السلام قشنگ ترین و شیرین ترین مدل زندگی و جذاب ترین مدل زندگی برای مردم جهان می تواند باشد؟ و بعد آیا در دوران غیبت هم می توان با امام زمان علیه السلام زندگی کرد؟ امام زمانی زندگی کردن، چه مختصاتی دارد؟ این ها پرسش های مهمی است که ما را به خیمه بقیه الله الاعظم علیه السلام نزدیک می کند. ما وقتی می توانیم جذابیت زیبایی زندگی با امام زمان علیه السلام را بفهمیم که اول زشتی زندگی بدون امام زمان علیه السلام را درک کنیم، یک ضرب المثل عربی

داریم خیلی حکیمانه است؛ می‌گوید: «هر چیزی را می‌خواهی بشناسی، از ضد آن و مخالف آن بشناس، «تُعَرَّفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا». ما چگونه می‌توانیم با دیدن زشتی زندگی غیر امام زمانی، زیبایی زندگی امام زمانی را بشناسیم؟

آموزش دین را از زیبایی ایمان به خدا شروع کنیم یا از زشتی کفر و شرک؟
گاهی باید شیوه آموزش دین را براین اساس متحول کنیم؛ به جای آموزش ایمان به خدا، برویم آموزش دهیم اساساً کفر و شرک به خدا چیست؟ چون ما تا از زشتی کفر و شرک رها نشویم، هوس زیبایی ایمان را نمی‌کنیم. در روایت هم داریم؛ شیوه آموزش دینی در دوران بنی امیه این بود که ایمان را آموزش می‌داد، ولی شرک را آموزش نمی‌داد تا وقتی مردم را مشرک کردند، آنها نفهمند چه بلایی سرشان آمده است؛

«إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ»^۱

چرا قرآن کریم از کفر و شرک حرف زده است؟ چرا حرف شیطان را آیه کرده که بی وضو نباید به آن دست بزنیم؟ چرا خدا به جای اینکه مستقیم خودش با ما حرف بزند، حرف‌های شیطان و فرعون و ... دشمنان خودش را در قرآن آورده است. چه حکمتی پشت سر این تعلیم دین وجود دارد؟ چرا یک سوم آیات قرآن درباره اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنان آنهاست. فرمود:

«نَزَلَ الْقُرْآنُ أَثَلَاثًا ثُلُثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا»^۲

بعد حالا شما ببیند در مدارس ما چقدر زشتی‌ها آموزش داده می‌شود، تا بچه‌ها بفهمند زشتی کفر، زشتی زندگی غیر امام زمانی را، به تعبیر بحث ما.

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲. همان، ص ۶۲۷.

کدام کتاب درس دینی ما، اول در این باره حرف زده است...

کدام کتاب درس دینی ما، اول در این باره حرف زده است. می دانید این مدل آموزش دین، که فقط از خوبی ها و خوبان حرف بزنیم، چقدر به دین بچه ها آسیب می زند؟ ما وقتی به بچه ها، ضررها و زشتی های زندگی غیر امام زمانی را آموزش نمی دهیم، زشتی کفر و شرک را آموزش نمی دهیم، بچه وقتی دین دار بشوند، فکر می کنند تخم دو زرده کرده اند که مثلا دین دار شده اند، عوض اینکه شاکر باشند، شاکي و مغرور خواهند بود.

مرغ همسایه غاز است؟ چرا حکومت امام زمان علیه السلام آخرین حکومت جهانی است؟

همیشه فکر می کنند مرغ همسایه غاز است. فکر می کنند زندگی غیر امام زمانی، یا صریح تر عرض کنم، زندگی اروپایی و آمریکایی زندگی بدون امام، عجب زندگی شرینی است. این توهم بدتر از هزاران توهم دیگر است. چطوری بچه ها را از این توهم در بیاوریم؟ نتیجه چه می شود؟ بچه های دانشگاهی ما تازه خوب ها و مذهبی ها، عشق رفتن به اروپا و آمریکا را دارند. عاشق نظام بردگی غربی هستند. حاضرند برای یک مشت پول، برده غرب و آمریکا شوند. بعد نمی دانند همان غربی ها خسته شده اند از این مدل زندگی کردن. ما کافی است یک فیلم بسازیم از بردگی پنهان نظام غرب و آمریکا و شیوه های به بردگی کشیده شدن در زندگی غربی و اروپایی. واقعا بعد از این اتفاق بزرگ، تشنگی زندگی با امام زمان علیه السلام پیدا می شود.

فرمود:

«حکومت ما اهل بیت علیهم السلام [حکومت امام زمان علیه السلام]; آخرین حکومت

است؛ إِنَّ دَوْلَتَنَا أَحْزَرُ الدُّوَلِ»^۱

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵

دلیلش خیلی قشنگ است؛ فرمود:

«وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَوْلَا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا
إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ»

یعنی قبل از حکومت ما، هر حکومتی که مدعی است می‌تواند جهان بشریت را اداره کند می‌آید، حکومت کنند تا مدعیان رسوا شوند؛ یعنی مردم بفهمند که آنها نمی‌توانند ناجی باشند و حکومتشان نمی‌تواند جهان را نجات دهد.

محوری شدن خود کوچک انسان؛ مهم‌ترین فرق زندگی امام زمان (عج) با زندگی غیر امام زمانی

ارزش، زیبایی و کارآمدی زندگی امام زمانی وقتی فهمیده می‌شود که زشتی و غیر کارآمدی زندگی غیر امام زمانی را مردم بفهمند. مهم‌ترین فرض زندگی با امام زمان (عج) و زندگی با غیر امام زمان (عج)، یا مهم‌ترین فرق زندگی امام زمانی با زندگی غیر امام زمانی در این است که محور زندگی غیر امام زمانی محدود شدن به خود کوچک انسان است و محور زندگی امام زمانی یا با امام زمان (عج) زندگی کردن نامحدود شدن به خود و بزرگ شدن خود انسان است و این «من» تبدیل به «ما» می‌شود. حالا کدام آیه قرآن، زندگی غیر امام زمانی را به نشان می‌دهد؟ با محوریت خواستنی‌های کوچک انسان، این آیه که فرمود:

«أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۱

چرا علاقه به دنیا بد است؟ چون دنیا کم است و ما برای کم خلق نشده‌ایم
خواستنی‌های کوچک انسان؛ یعنی علاقه‌هایی که آدم را زمین گیر می‌کند.
آدم‌های کوچک علاقه‌های کوچک دارند. کوچک‌ترین علاقه که در انسان

به صورت نامناسب بزرگ می‌شود، علاقه به دنیا است، علاقه به دنیا چرا بد است؟ چون خیلی کوچک است، تو بزرگتر از دنیا بشو، دنیا در چشمت کوچک می‌شود. قرآن کریم کسانی که اهل نماز و روزه و مدعی اهل ایمان هستند؛ وقتی خدا موقعیت جهاد و مبارزه را برای آنها جور می‌کند حالات و روحيات و حرف‌هایشان چگونه بیان کرده است؟ می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً...؛ مگر ندیدی آن عده‌ای را که در روزگاری که قتال با کفار صادر نشده بود آرزوی صدورش را می‌کشیدند و تو، به ایشان می‌گفتی: زنهار مبادا دست به شمشیر زنید؛ بلکه هم‌چنان نماز بخوانید و زکات بدهید تا استخوان بندی اسلام محکم گردد، ولی همین که محکم شد و فرمان قتال صادر گردید، جمعی از آنان دچار وحشت شدند، همان قدر که از خدا می‌ترسیدند، بلکه بیشتر از آن از مردم کفار ترسیدند...»^۱

این آیه خیلی جالب است، خدا می‌فرماید یک گروه در جامعه اسلامی مدعی مبارزه هستند، به آنها می‌گوید الان وقت جهاد نیست، در مکه باید فقط نماز خواند و زکات داد؛ اما وقتی زمان جهاد و مبارزه می‌رسد، یک عده از اینها دَیه می‌کنند. از دشمنان می‌ترسند، شبیه ترسیدن از خدا؛ بلکه بیشتر و شدیدتر و می‌گویند:

«رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ؛ خدایا چرا برای ما جهاد نوشتی، حالا نمی‌شود یک ذره دیرتر این حکم را بدهی؟»^۲

۱. نساء، ۷۷.

۲. همان.

پاسخ خدا به این مؤمنین مدعی جهاد که از دشمن چون می ترسند و تقاضا می کنند حکم جهاد کمی عقب تر بیفتد، این است که:

«قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى؛ بگو سرمایه زندگی دنیا،

کم است! آخرت، برای اهالی تقوا بهتر است».^۱

خدا ریشه‌ی روانی مشکل آنها با جهاد را می گوید؛ ریشه روانی را ترس بیان می کند. بعد برای این که ترس را درمان کند می فرماید «دنیا کوچک است» برای تو ای انسان و «من بیشتر و بزرگتر»؛ یعنی آخرت را کنار گذاشتم. بیا برویم پیش خودم. بعد می فرماید:

«وَلَا تُظَلَّمُونَ فِتْيَالًا؛ به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما

ستم نخواهد شد!».^۲

من به تو سر سوزنی ظلم نمی کنم، تو فقط بیا برویم پیش خودم. همه چیز آنجاست. بزرگ شو اینجا برای تو کوچک است.

دنیا داری نه تنها بد نیست، بلکه ما مأمور به آبادی دنیا هستیم

پس آقا زندگی غیر امام زمانی، چرا زشت است؟ چون محورش هوای نفس است؛ یعنی علاقه های کوچک و کم. دنیا هم برای همین بد است. البته دنیا داشتن بد نیست. معلوم است که همه ی دنیا را باید تو داشته باشی. دنیا دارای، نه تنها بد نیست، بلکه ما مأمور به آبادی دنیا هستیم. آنچه که از دنیا بد است، وابستگی به دنیا است. وابستگی به دنیا چرا بد است؟ چون خیلی کم است و ما برای کم آفریده نشده ایم. عقل ما می گوید بهترش را می خواهیم، بیشترش را می خواهیم.

۱. همان.

۲. همان.

چرا دعوت به لذت‌های شهوانی در غرب زیاد است؟

امروز زندگی غربی، یک زندگی حداقلی و کم با محوریت علاقه‌های کم است. چرا دعوت به لذت‌های شهوانی در غرب زیاد است؟ چون بدبخت‌ها، لذت دیگری را ندارند که معرفی کنند. تازه این مدل برخورد با لذت‌های شهوانی، قدرت لذت‌بری غربی‌ها را هم کم کرده است. من در بسته و سر بسته بگویم؛ به قول آقای بهجت علیه السلام غربی‌ها دنیای مردم را هم خراب کردند. آیت‌الله بهجت علیه السلام می‌فرماید:

«واقعاً بی‌انصافی است که کسی متوجه نشود دولت‌های مهم دنیا

حتی دنیاداری را هم بلد نیستند.»^۱

در واقع آقای بهجت علیه السلام می‌فرماید که اصلاً غربی‌ها کجا دنیاداری بلد هستند؟! اگر از اینجا گذشتیم می‌رسیم به این که تازه این حرف امام رحمته الله علیه در سال ۱۳۶۳ را بفهمیم که فرمودند:

«ما اگر در فکر خودمان هم هستیم، اگر فکر منافع خودمان هم هستیم، باید فکر اسلام باشیم که اسلام منافع ما را تأمین می‌کند. اگر ما اهل دین هستیم که باید اسلام را با چنگ و دندان حفظ بکنیم و اگر اهل دنیا هستیم، دنیای ما هم به اسلام بستگی دارد.»^۲

ما این حرف را نه به عنوان یک شعار از سر طرفداری اسلام، بلکه به عنوان یک شعور برای اداره دنیا، باید این را درک کنیم که «اسلام، دنیای ما را آباد می‌کند و با چیزی غیر از برنامه دین، نمی‌شود دنیا را آباد کرد» اما این را چند نفر از دانش‌آموزهای ما بلد هستند و باور دارند؟ آیا ما این مسئله را برایشان توضیح داده‌ایم؟ در کدام کتاب؟

۱. در محضر بهجت، ج ۳، ص ۴۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۹.

کسی تشنه زندگی با امام زمان علیه السلام هست، که از زندگی غیر امام زمانی از سر عقلانیت و شعور گذشته است و الان رسیده که دنبال راه نجات بگردد؛ حالا بیا درباره زندگی با امام زمان با او حرف بزن.

جهانی اندیشیدن مهم‌ترین ویژگی زندگی با امام زمان علیه السلام

من می‌خواهم امام زمانی زندگی کنم، یکی از ویژگی‌ها کسانی که امام زمانی زندگی می‌کنند؛ جهانی اندیشیدن است، آدمی که با امام زمان علیه السلام می‌خواهد زندگی کند، باید جهانی بیاندیشد؛ جهانی اندیشیدن و اندیشدن درباره آینده و طرح نقشه برای نجات بشریت، یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های زندگی امام زمانی و زندگی با امام زمان علیه السلام است.

شرحی بر آیه جهانی شدن

زندگی با امام زمان علیه السلام، مهم‌ترین شاخصه‌اش جهانی اندیشیدن است. چون کاری که امام زمان علیه السلام انجام می‌دهد، جهانی است. فرمود:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱

این آیه مشهوری است و همه می‌دانید که این آیه درباره ظهور، آخرالزمان و در واقع درباره حضرت ولی عصر ارواحناله‌القاء است.

می‌فرماید: ما اراده کردیم، منت بگذاریم بر مستضعفین و می‌خواهیم آنها را امامان زمین، رؤسا و فرماندهان زمین قرار بدهیم و می‌خواهیم آنها را وارث زمین قرار بدهیم.

۱. قصص، ۵.

خدا می خواهد مستضعفین را «ائمه و وارثین زمین» قرار بدهد

معنای آیه این نیست که ما می خواهیم فقط مستضعفان زمین را نجات بدهیم؛ یعنی امامی برایشان بفرستیم که نجات پیدا کنند! بلکه می فرماید: ما می خواهیم بر مستضعفان منت بگذاریم و دو ویژگی به این مستضعفان بدهیم؛ یکی اینکه آنها را امام قرار بدهیم! می خواهیم «ائمه» بشوند؛ یعنی مدیران زمین، فرماندهان زمین و اداره کنندگان زمین بشوند، نه اینکه فقط نجاتشان بدهیم.

بعد از «نَجْعَلَهُمْ ائِمَّةً» می فرماید: «وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» دوباره «نَجْعَلَهُمْ» را تکرار می کند، این یعنی تأکید! خداوند می تواند بفرماید «نَجْعَلَهُمْ ائمه و الوارثین» من آنها را امامان زمین و وارثین زمین قرار می دهم. اما وقتی دوباره «نَجْعَلَهُمْ» را تکرار می کند، معنایش چیست؟ یعنی من می خواهم دوتا کار با شما مستضعفان انجام بدهم، یکی اینکه می خواهم شما را امامان زمین قرار بدهم و دیگر اینکه می خواهم شما را وارثین زمین قرار بدهم! البته یک کار سومی هم هست که طبیعتاً اتفاق می افتد و آن نجات مستضعفان است و اصلاً خداوند در این آیه از آن حرف نزده است؛ چون معلوم است که این نجات هم اتفاق می افتد و بعد از نجات دادن، دو اتفاق دیگر می افتد.

وارثین یعنی چه؟ یعنی وارثین قدرت و ثروت! یعنی می خواهیم مستضعفین را وارث قدرت و ثروت زمین قرار بدهیم!

آیا مستضعفین، بدون ظرفیت یافتن می توانند ائمه و وارث زمین بشوند؟! بنی اسرائیل، مستضعفینی بودند که ظرفیت نداشتند!

خداوند متعال می خواهد مستضعفین را در جریان ظهور، وارثین زمین و ائمه زمین قرار بدهد! در اینجا سؤال مطرح می شود اینکه آیا بدون آماده

شدن و ظرفیت یافتن، صحیح است که مستضعفین، وارثین زمین و ائمه
قرار بگیرند؟ آیا این معقول است؟!

در اینجا فقط یک مثال عرض می‌کنم: «بنی اسرائیل» مستضعفینی بودند
که ظرفیت نداشتند! حضرت موسی علیه السلام نجات‌شان داد و نعمت از آسمان
برایشان بارید، دشمنان‌شان هم درجا نابود شدند، اما بعدش چه شد؟
همین‌که حضرت موسی بن عمران علیه السلام چند روز رفتند که ببایند، بلافاصله
گوساله پرست شدند، این قدر بی ظرفیت بودند. پس آن همه معجزات الهی
چه شد؟

خدا دشمنان بنی اسرائیل را یک شبه بدون جنگیدن نابود کرد؛ آن هم
جلوی چشم خودشان! از آسمان به صورت سلف سرویس برایشان غذا
می‌آمد! چشمه آب در بیابان برای‌شان باز می‌شد! دوازده تا چشمه برای
آنها به صورت معجزه باز می‌شد و می‌جوشید؛ اینها قصه‌های قرآن است؛
افسانه نیست!

«فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اِثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَ ظَلَّلْنَا
عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوٰی»^۱

خدایا چرا اینها را در قرآن برای ما بازگو می‌کنی؟ می‌فرماید: ببین من برای
اینها چه کار کردم! اما شما فکر می‌کنی اینها آدم شدند؟! ببین چقدر
بی ظرفیت بودند، می‌خواستم آنان را ائمه و وارثین زمین قرار بدهم اما نابود
شدند!

زحمت‌های قبل از ظهور برای چیست؟ برای اینکه ظرفیت پیدا کنیم!
در آخرالزمان که خدا می‌خواهد آخرین امام را بفرستد، باید چه کار کنیم؟
باید دانه دانه دشمنان را از سر راه برداریم تا آقایمان بیاید! حضرت فرمود:

۱. اعراف، ۱۶۰.

«رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ
الْحَدِيدَ لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُنُونَ وَ
عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱

مردی از اهل قلم مردم را به حق و حقیقت دعوت می‌کند. بعد می‌فرماید: قومی یا گروهی دور او جمع می‌شوند که چند ویژگی‌هایی دارند. اولین ویژگی این است که مثل پاره‌های آهن هستند. که بادهای تند آنها را از جا نمی‌کند نمی‌لغزند. نمی‌لرزند. از جنگ خسته نمی‌شوند، نمی‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت هم از آن این‌هاست که همان متقین هستند. این زحمات‌های قبل از ظهور برای چیست؟ برای اینکه ظرفیت پیدا کنیم. الان در مملکت ما چرا مسئولین بعضاً خراب از آب در می‌آیند؟ ما بالاخره باید به یک ظرفیتی برسیم؛ مثلاً قدر یک مسئول خوب را دانستن، یک مسئول خوب را از یک مسئول بد، تشخیص دادن، حساس بودن نسبت به مسئولان جامعه! ما باید آمادگی پیدا کنیم، باید به این ظرفیت برسیم.

مستضعفین باید زمینه و ظرفیت ائمه شدن و وارث شدن را در خود ایجاد کنند

خداوند در آیه فوق می‌فرماید: ما می‌خواهیم مستضعفین را امامان و وارثان زمین قرار بدهیم! «نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) منظور از این مستضعفان آیا ائمه هستند؟ بله، طبق روایات منظور ائمه هستند، اما آیا ائمه به تنهایی بدون امت این مدیریت جهانی را در دست می‌گیرند؟ خیر. شیعیان در دوران غیبت مستضعف واقع شده اند یعنی اداره جامعه در دست آنها نیست، اما در دوران ظهور چه اتفاقی می‌افتد؟ حضرت فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

«أَنْتُمْ - وَ اللَّهِ - يَوْمَئِذٍ حُكَّامُ الْأَرْضِ وَ سَنَأْمُهَا؛ شما شیعیان در آن روز

ظهور، حکمفرمایان و بزرگان روی زمین هستید»^۱

بنابراین این مستضعف شامل شیعه هم می شود حالا در دروان ظهور قرار است چه اتفاقی بیافتد؟ مستضعفانی که می خواهند امامان و وارثان زمین قرار بگیرند باید زمینه و ظرفیت داشته باشند چون قرآن می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّى يَخْتَارُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ»^۲

خداوند متعال سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنها ابتدا خودشان سرنوشت خودشان را تغییر بدهند و برای تغییر سرنوشت خودشان اقدام کنند.

اگر دو آیه فوق را در کنار هم بگذارید، نتیجه اش این می شود: ای مستضعفینی که خدا می خواهد شما را ائمه و وارثین زمین قرار بدهد، خودتان هم برای بیرون آمدن از فرهنگ استضعاف، قیام کنید! اصلاً فلسفه جمهوری اسلامی همین است! حضرت امام علیه السلام این کلمه مستضعفین را از قرآن گرفت و در ادبیات سیاسی جامعه جاری کرد. این قیام مستضعفان علیه مستکبران است. مستضعفان باید زمینه و ظرفیت ائمه شدن و وارثین زمین شدن را در خود ایجاد کنند.

دو شرط برای اینکه مستضعفین از حالت استضعاف در بیایند

برای اینکه مستضعفین از حالت استضعاف در بیایند دو شرط وجود دارد؛ یک شرط این است که زندگی مستضعفین، به سبک زندگی درست اسلامی باشد. شرط دیگر این است که مدیران جامعه مستضعفین، مدیران لایق و شایسته ای باشند.

۱ . اصول سته عشر، ص ۱۱۱

۲ . رعد، ۱۱.

در یک جامعه دینی هر دو روی این سکه باید در اوج سلامت و صحت و خوبی باشد: یکی اینکه مردم چگونه زندگی می کنند؟ مردم طوری زندگی نکنند که بشود آنها را به سادگی به بردگی کشید. دوم اینکه مدیران جامعه طوری زندگی نکنند که به سمت طواغیت بروند.

اگر مستضعفان هریک به تنهایی بروند پول دار بشوند؛ اینکه همان نظام سرمایه داری می شود! مستضعفان در چه صورتی نه مستکبر می شوند نه در استضعاف باقی می مانند؟ وقتی که مؤمنین و هیئتی ها و مسجدی ها باهم جمع بشوند و باهم معیشت خود را نجات بدهند! این جزئی از بی ایمانی ما است که به هم اعتماد نکنیم و باهم کار نکنیم، همچنانی که جزئی از بی دینی ما است اگر کار نکنیم!

الان زمان تمرین ائمه شدن و تمرین وارثین شدن است

اینکه مستضعفان بنا است وارثین و ائمه بشوند، یعنی باید ظرفیتش را قبل از ظهور پیدا کنند. الان زمان تمرین ائمه شدن است و زمان تمرین وارثین شدن است. در جریان این تمرین، اولاً مردم باید زندگی درستی داشته باشند تا طاغوت درست نکنند. ما اگر شروع کنیم از اموال مان خودمان به صورت گروهی و تعاونی استفاده کردن، جلوی رانت خواری را خواهیم گرفت، این بهترین راه جلوگیری از رانت خواری است. قرآن می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱

حُب ما الان باید چه چیزی را تغییر بدهیم؟ باید تکان بخوریم و از حالت استضعاف در بیاییم. جامعه ما نباید جامعه مستضعفین باشد، البته معلوم است که نباید جامعه مستکبرین هم باشد.

دیدید که وقتی یکی از قایق‌های‌شان را گرفتید و یکی از پرنده‌هایشان را زدید، جهان به شما تواضع کرد! بلکه مستضعفین باید این ظرفیت و قدرت را پیدا کنند و بتوانند از خودشان دفاع کنند.

دو رکن لازم برای اینکه جامعه از استضعاف در بیاید:

رهبر جامعه ما یک رهبر دینی و یک فقیه است. چرا ایشان از جوانانی که موشک می‌ساختند، درخواست کردند که موشک‌های نقطه‌زن بسازند؟ برای اینکه این آیه محقق بشود: «نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ رهبر دینی طبیعتاً باید به تحقق این آیه‌ها کمک کند، رهبر دینی مگر فقط باید نماز یاد بدهد؟!

چرا یک رهبر دینی حدود ده سال است که اسامی سال‌ها را اسامی اقتصادی گذاشته است؟ چرا تأکید بر اقتصاد مقاومتی دارد؟ چون رهبر دینی باید جامعه را رهبری کند تا از استضعاف در بیاید. چون دین می‌خواهد که ما از استضعاف در بیاییم.

برای اینکه از این استضعاف در بیاییم دوتا رکن لازم است؛ یکی اینکه مردم باید معیشت‌شان درست بشود، دوم اینکه مدیران جامعه، باید مدیریت‌شان اصلاح بشود.

همه ما باید اهل درک مدیریت باشیم تا هیچ مدیری سر ما را کلاه نگذارد

حالا چرا می‌خواهیم درباره مدیریت صحبت کنیم؟ یکی از دلایل همین آیه است: «وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً» شما می‌خواهید امام بشوید، شما می‌خواهید مدیر بشوید و می‌خواهید برای مدیریت، کفایت پیدا کنید. البته نه اینکه همه مدیر بشوند، همه نمی‌توانند مدیر بشوند، همه نمی‌توانند فرماندار بشوند. بالاخره در یک شهر فقط یک نفر فرماندار می‌شود. ولی اگر همه

کفایت فرمانداری داشته باشند، دیگر یک فرماندار در آن شهر نمی‌تواند گربه برقصد! چون همه این مردم خودشان وارد هستند و فریب نمی‌خورند. همه ما باید اهل مدیریت و اهل درک مدیریت باشیم تا هیچ مدیری سر ما را کلاه نگذارد. مستضعفین اگر می‌خواهند مستضعف نباشند باید از جریان مدیریت خبر داشته باشند، به حدی که وقتی یک مدیر آمد و کار اینها را به دست گرفت، بگویند: سر اینها را نمی‌شود کلاه گذاشت! یا اگر این مدیر بخواهد یک تصمیم غلط بگیرد، از این مردم بترسد، نه اینکه با سلبریتی بازی و مسخره بازی و لودگی، بخواهد جامعه را اداره کند!

چرا در غرب با فریب افکار عمومی بر مردم حاکم می‌شوند؟ چون مردم ساز و کار مدیریت را نمی‌دانند و فریب می‌خورند

چرا در غرب با فریب افکار عمومی بر مردم حاکم می‌شوند؟ چون ساز و کار مدیریت، دست عموم مردم نیست و افکار عمومی برای آنها ملعبه شده است. خیلی از مردم اصلاً در خواب هم نمی‌بینند که بخواهند جای این مدیران و رؤسای غربی باشند؛ لذا حرفشان این است: یک لقمه بخور نمیر به ما بدهید؛ ما به بقیه‌اش کاری نداریم! در جامعه غربی این گونه است، اما در جامعه امام زمان علیه السلام قدرت و این وراثت فقط مال امام زمان علیه السلام نیست؛ بلکه مستضعفان از شیعه «ائم» می‌شوند! مستضعفان از شیعه «وارثین» می‌شوند. اینها آیه‌های قرآن است؟ چرا به سمتش نمی‌رویم؟! همه باید اصول مدیریت را بلد باشند، در کودکانستان ما، در دبستان ما باید اصول مدیریت یاد داده بشود، باید این را همه بفهمند، همه مسئول بشوند و همه تبدیل بشوند به افرادی که مدیریت را تجربه کنند.

اگر مستضعفین می خواهند «ائمه» بشوند، همه باید فهم مدیریت داشته باشند
اگر مستضعفین می خواهند «ائمه» بشوند، همه باید استعداد مدیریت
داشته باشند، فهم مدیریت باید داشته باشند. همه نطق مدیریت باید
داشته باشند، همه باید ظرفیت مدیریت داشته باشند، به حدی که
هرکدامشان را حضرت خواست در صدر بگذارد، یکی از یکی لایق تر باشند!
این جوری جامعه نجات پیدا می کند و الا اگر همه بی اطلاع و بی عرضه
باشند و فقط دو سه نفر خوب باشند، با اینها فرج حاصل نمی شود!

خدا ما را آفریده است که بَرّه نباشیم، نه اینکه بره هایی باشیم که از دست
گرگ در بیاییم و بیافتیم دست آدم! نه؛ خدا می خواهد همه ما را
آدم حسابی بار بیاورد. آن وقت هر کدام از این آدم حسابی ها می گوید:
«اگرچه من استعداد دارم صدا کار دیگر انجام بدهم، ولی الان نقشم این
است که این کار را انجام بدهم، چون این به من تکلیف شده است، چون
امام زمانم این را خواسته است...» تصور کنید این جوری زندگی چقدر لذت
دارد!'.^۱

ما اگر می خواهیم امام زمانی زندگی کنیم، اولین شاخص جهانی اندیشیدن
و در چنین مختصات فکر کردن است.

خدایا ما را برای زندگی با امام زمان علیه السلام و اندیشیدن درباره آن مهیا کن!

^۱ علیرضا پناهیان، گزیده ای از بحث آمادگی برای ظهور؛ اصلاح مدیریت در خانواده و جامعه،
دسترسی در: